

Support Measures and Mechanisms for Urban Subalterns in the Safavid Period

Seyed Mohammad Hosein Mohammadi*

Abstract

As a Muslim government, the Safavid government usually followed a number of religious teachings, Salaf governance practices, political ethics, and the legacy of the writings on the importance and necessity of poverty alleviation and support for the inferior groups. The main point in paying attention to these issues was a discourse that encouraged the political authorities and social groups to do justice and promote charity in accordance with the Islamic verses and hadiths and of course the cultural contexts in the society. Social support was basically provided by public resources and mainly by the government and through taxes as well as improving governance procedures, and its extent could be increased or limited with any economic, social or political change. This research is looking for the answer to this question, how were the patterns and procedures of supporting Farudestan during the Safavid rule period? And what changes did these procedures enjoy with respect to the establishment of the religious government? By adopting the "history from below" approach and based on the qualitative-interpretive method based on data analysis, this research explains the social support status of the urban slums of the Safavid period. The findings of the research indicate that during the periods of stability of the Safavids, support policies were implemented in two dimensions, official and unofficial. In the official dimension, establishing tax exemptions, paying long-term loans and even free of charge, reforming

* PhD of history and Researcher of Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran,
mohammadi_mhm@yahoo.com

Date received: 2022/08/23, Date of acceptance: 2023/01/18



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

economic procedures, establishing a cruel court and punishing civil offenders, providing urban and civil services, strengthening the idea of justice and meritocracy, expanding endowments and feeding the needy. The unofficial side of spreading religious teachings in the form of kindness and honor, charity and charity, vows and gifts, rejecting oppression and feeding the poor was promoted and paid for.

Keywords: social support, subjugation, oppressive court, poverty alleviation, Safavids..



تدابیر و سازوکارهای حمایتی از فرودستان شهری در دوره صفویه

سیدمحمدحسین محمدی*

چکیده

حکومت صفوی به عنوان حکومتی مسلمان، به طور معمول از شماری آموزه های دینی، رویه های حکمرانی سلف، اخلاق سیاسی و میراث اندرزنانه نویسی در زمینه اهمیت و ضرورت فقرزدائی و حمایت از گروه های فرودست پیروی می کرد. نکته اساسی در توجه به این امور، گفتمانی بود که منطبق با آیات و احادیث اسلامی و البته زمینه های فرهنگی موجود در جامعه، حاکمیت سیاسی و گروه های اجتماعی را به عدالت ورزی و ترویج امور خیریه تشویق می نمود. حمایت اجتماعی اساساً از منابع عمومی و عمدتاً توسط حکومت و از طریق مالیات ها و همچنین بهبود رویه های حکمرانی تأمین می شد و گستره آن با هرگونه تغییر اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی می توانست فراتر رود و یا محدود گردد. این پژوهش بدنبال پاسخ این پرسش است که الگوها و رویه های حمایتی از فرودستان در دوره حکمرانی صفویان به چه شکل پی گیری می شد؟ و این رویه ها با عنایت به برقراری حکومت دینی از چه تحولاتی برخوردار گردید؟ این پژوهش با اتخاذ رویکرد «تاریخ از پایین» و براساس روش کیفی-تفسیری مبتنی بر آنالیز داده ها، به تبیین وضعیت حمایت اجتماعی از فرودستان شهری دوره صفویه می پردازد. یافته های تحقیق بر آنست که در برهه های ثبات صفویان، سیاست های حمایتی در دو بعد رسمی و غیر رسمی به اجرا درمی آمد. در بعد رسمی برقراری معافیت های مالیاتی، پرداخت وام های بلندمدت و حتی بلاعوض، اصلاح رویه های اقتصادی، برقراری دیوان مظالم و مجازات متخلفان دیوانی، ارائه خدمات شهری و عمرانی، تقویت اندیشه عدالت ورزی و شایسته سالاری، گسترش موقوفات و اطعام نیازمندان و در بعد غیر رسمی گسترش

* دانش آموخته دکتری تاریخ و کارشناس پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
mohammadi_mhm@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

آموزه های دینی در قالب احسان و اکرام، صدقات و انفاق، نذر و هبه، رد مظالم و اطعام فقرا ترویج و پرداخته می شد.

کلیدواژه‌ها: حمایت اجتماعی، فرودستان، دیوان مظالم، فقرزدایی، صفویان.

۱. مقدمه

فرودستان گروه‌هایی از اعماق جامعه هستند که در پژوهش‌های تاریخ ایران مدنظر قرار نگرفته اند. علت نادیده گرفتن این موضوع به نبود اطلاعات تاریخی و نیز بی ارزش شمردن زندگی آنان توسط ناظران دیروز و امروز مرتبط بوده است. وجود این گروه‌ها نشانه‌ای از وجود نابسامانی اجتماعی و نیز ناکارآمدی در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی و رویه‌های عدالت‌گرایانه در حکمرانی است. از این رو در جامعه و حکومت شیعی که از آموزه‌های دینی و باورهای اجتماعی مبتنی بر آن برخوردار است، وجود چنین پدیده‌ای زشت و غیرقابل قبول بشمار می‌آید. بر این اساس منابع رسمی نیز سعی در نادیده گرفتن و حتی پنهان کردن آنان بر آمدند و بنابراین پژوهش در چنین حوزه‌هایی همواره با کمبود اطلاعات همراه است. اقشار اجتماعی در این دوره به نحوی به ساختار قدرت وابسته بودند و به دلیل ماهیت استبدادی دستگاه سیاسی، از استقلال چندانی برخوردار نبودند. سرنوشت گروه‌های اجتماعی تاحد زیادی به نحوه عملکرد سازمان سیاسی، بستگی داشت. بااینحال در عرف رسمی، راهکارهایی برای تعدیل قدرت شاه به نفع گروه‌های اجتماعی تعبیه شده بود که در پاره‌ای مواقع موثر عمل می‌نمود. در اسلام نیز، شماری آموزه‌ها و تکالیف دینی در باب رعایت رعیت وجود داشته و دارد که این تأکیدات موجب جلب نظر حکمرانان می‌شد؛ «يُقَسِّمُ بَيْنَهُمُ بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي الرِّعْيَةِ» (نهج البلاغه: خطبه ۳۴) این آموزه‌ها به طور ویژه حکومت‌ها را ملزم به رسیدگی به وضع فرودستان جامعه و گشایش در امور ایشان می‌نمود و تکالیفی در این امر برای حکومت‌ها تعیین می‌کرد؛ «أرأيت الذي يكذب بالدين فذلك الذي يدع اليتيم و لا يحض على طعام المسكين» (ماعون: ۱-۳) متون اخلاقی و اندرزنامه‌های سیاسی نیز همواره یکی از وظایف حکومت بر مردم را رعیت‌پروری و رسیدگی به حال توده‌ها بیان می‌دارد. این امر در فرهنگ سیاسی جامعه، در زمره حقوق مردم بر حکومت بوده است. «...باید دانست که مراعات حقوق رعیت معدلت است و دست از ظلم و تعدی بازداشتن و دست ظالمان را از رعایا و زیردستان کوتاه کردن» در زمره حقوق رعایا بر سلطان است. (سبزواری ۱۳۷۷: ۴۴۷) اگرچه

ناکارآمدی‌های رایج در ساختار سیاسی و نادیده گرفتن اصول حکمرانی مطلوب در بسیاری برهه‌ها ایفای چنین نقشی را در محاق می‌گذاشت.

با عنایت به مباحث پیشین پرسش‌های این نوشتار بدین شرح سامان یافته است؛ در دوره صفویان چه اشکال و رویه‌هایی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، وجود داشته است؟ رویه‌های موجود تا چه میزان کارآمد و تاثیرگذار بود؟ همچنین بکارگیری تدابیر حمایتی از چه فراز و نشیب‌هایی برخوردار بوده است؟ در این دوره روال‌های متنوعی برای حمایت از اقشار فرودست جامعه وجود داشته است. بخش مهمی از این تدابیر توسط حکومت صفوی اعمال می‌شد. برقراری معافیت‌های مالیاتی، پرداخت وام، گسترش موقوفات، تعیین قوانین جدید، اندیشه شایسته‌سالاری و تحرک عمودی، عدالت ورزی و تشکیل دیوان مظالم و مجازات متخفیان دیوانی بخشی از اقدامات دولتی را در این حوزه سامان می‌داد. صفویان در برهه‌هایی با بکارگیری موارد یاد شده وظیفه خود را در قبال این گروه‌ها انجام می‌داد. در پاره‌ای از دوره‌ها بویژه در اواخر عمر حکومت نیز از اجرای آن عدول می‌نمود. گروه‌های اجتماعی نیز در قالب نهادهای دینی همچون وقف، صدقه، خیرات، هبه و نذر زمینه فعالیت‌های خیریه به نفع تهیدستان را گسترش دادند. آموزه و رویکردهای فرهنگی همچون انگیزه جوانمردی و نوع دوستی نیز زمینه‌های ذهنی لازم را در جامعه صفوی برای حمایت از ضعیفان فراهم می‌آورد.

موضوع نوشتار از یکی از رویکردهای متداول در حوزه تاریخ اجتماعی پیروی خواهد کرد که مبتنی بر نگرش «تاریخ از پایین» خواهد بود. در واقع بازیابی صدا و حضور فرودستان در روایت تاریخی فرمی می‌طلبد که در سیاست نوشتاری مطالعات فرودستان از آن تحت عنوان «تاریخ از پایین» یاد می‌شود ارزش تاریخ از پایین در اعتبار بخشیدن به هویت قشرهای فرودست است که می‌بایست فراتر رود و به بازتعریف، نقد و توانمند ساختن جریان رسمی پژوهش تاریخ بیانجامد. (شارپ، ۱۳۹۹: ۲۱) فرودستان که در زمره سوژه‌های اصلی تاریخ به حساب می‌آیند، در روایت‌های رسمی به حاشیه رانده شده‌اند. بازسازی تاریخی فرودستان، یک ضدروایت می‌طلبد. به تعبیر جنکینز «تاریخ گفتمانی است راجع به گذشته ولی قاطعانه متفاوت از آن» (جنکینز، ۱۳۹۳: ۶۸) بر این اساس نگارنده تلاش خواهد کرد بر اساس مسئله پژوهش، به شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها بپردازد تا بدین شکل موضوع مورد بحث را شرح، ابعاد آن را روشن و یافته‌های تحقیق را بر اساس روش کیفی - تفسیری برپایه کشف روابط علی و معلولی تبیین نماید.

واکاوی منابع این دوره نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی در دو بعد رسمی و غیررسمی از فرودستان به اجرا درآمد؛ برقراری معافیت‌های مالیاتی، پرداخت وام، اصلاح قوانین مالی، گسترش موقوفات، مجازات متخلفان دیوانی و سوءاستفاده کنندگان از مناصب دولتی و برقراری امنیت پایدار در شهرها، ساخت بناها و اماکن عمومی عام‌المنفعه همچون حمام، آب انبار، پل، بیمارستان، کاروانسرا بویژه در محلات محروم را می‌توان نام برد. این موارد به طور مستقیم و غیرمستقیم به حمایت از لایه‌های آسیب‌پذیر جامعه می‌پرداختند. همچنین تقویت و گسترش آموزه‌های دینی همچون خیرات، صدقات، نذورات و وقف در جامعه زمینه‌های فرهنگی اجتماعی حمایت از گروه‌های فرودست را فراهم می‌آورد. در اواخر دوره صفوی، بتدریج ناتوانی حکومت در مهار بحران‌های اجتماعی، تدابیر نامناسب اقتصادی، ماهیت ناپایدار سازوکارهای حمایتی و تضعیف اندیشه عدالت‌ورزی، به نابسامانی اقتصادی و اجتماعی فراگیر و رشد تعداد فرودستان شهری انجامید. (یوسفی‌فر و دیگران ۱۴۰۰: ۳۲۹-۳۳۰) که این امر از دلایل بروز ناهنجاری‌های اجتماعی در شهرهای صفوی و نهایتاً سقوط صفویان گردید.

۱.۱ پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش موضوع، چندان غنی به حساب نمی‌آید. بخشی از رساله سمیه امراللهی با عنوان «کارکردهای اقتصادی و اجتماعی وقف از شاه عباس تا اواخر دوره صفوی»، به کارکرد و مصارف موقوفات در جهت حمایت از اقشار ضعیف اشاره دارد. این مصارف شامل وقف برای خدام اماکن مقدس، وقف برای اطعام زائران، و وقف برای ساخت اماکن عمومی در محلات شهری و اطعام فقرا اشاره کرده است. وحید ذنوزیان نیز در رساله‌ای با عنوان «نهاد قدرت و تعامل با حمایت از تهیدستان از ورود مغول تا آغاز سلسله تیموری» تلاش نموده است ابعاد تعامل همدلانه نهاد قدرت در دوره ایلخانی را در حمایت از فرودستان در قالب سیاست‌گذاری‌های اصلاح اقتصادی و تقویت حمایت‌های مالی در قالب نهاد وقف تشریح نماید. وی در مقاله‌ای «تحت عنوان واکاوی جایگاه وقف در زندگی تهیدستان عصر ایلخانی» با تأکید بر اقدامات حمایتی خواجه رشیدالدین فضل‌الله در تضعیف فقر و زدودن پیامدهای آن در جامعه عصر ایلخانی پرداخته است. شهرام یوسفی‌فر نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «حمایت از فرودستان در ایران روزگار ایلخانی» با تأکید بر موقوفه ربع رشیدی به عنوان بزرگترین برنامه حمایتی در دوره ایلخانی به بررسی نحوه عملکرد آن و تشریح برنامه‌های این بنگاه اقتصادی پرداخته است. حسن کریمان و محبوبه سادات بیدگلی، در مقاله «معضلات اجتماعی و

اقتصادی شهرهای ایران عصر صفوی با استناد به فرامین حکومتی منقور بر سنگ، فرامینی با موضوعاتی همچون تخفیف مالیاتی بر گروه‌های کارگری و کسب و کارهای کوچک، جلوگیری از تعدی مامورین دولتی بر مردم و حمایت از طبقات ضعیف جامعه در دوره شاه عباس اول، مبارزه با فساد و فحشا و منع شرابخواری و مصرف مواد مخدر و مسکرات را مورد اشاره قرار دادند. برخی از داده‌های این سنگ نبشته‌ها بدلیل ماهیت اجتماعی مصارف حمایتی اوقاف مورد توجه قرار خواهد گرفت. مقاله «بررسی فرایند بینواسازی جامعه شهری و ارزیابی واکنش فرودستان در سده دهم هجری؛ با رویکرد به منازعات قدرت در سده اول حکمرانی صفوی» از شهرام یوسفی فر و سید محمدحسین محمدی به تشریح پاره‌ای از رویه‌های حکمرانی صفویان که فرودست سازی مردمان را در پی داشته است، می‌پردازد. این مقاله از این نظر که چگونه نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی فرصت‌های حمایتی را از بین می‌برد، دارای اهمیت است. اثر دیگر مقاله ایست با عنوان «جایگاه سنگ نبشته‌های ایران دوران اسلامی در پژوهش‌های مردمان فرودست» از مقصودعلی صادقی که شرح مناسبی از سنگ نبشته‌هایی با موضوع تخفیفات مالیاتی در دوره صفوی را بیان می‌دارد و بر اساس آن فرمانها برخی گروه‌های فرودست شهری را رصد می‌نماید. با عنایت به اینکه تخفیفات مالیاتی یکی از راهکارهای صفویان در حمایت از فرودستان بحساب می‌آید از این حیث این اثر قابل توجه می‌باشد. مقاله نادر رزاقی و ولی دین پرست با موضوع «نقش تهیدستان شهری و لوطیان و جهال تهران در انقلاب مشروطیت» به کنش لوطیان در حوادث مشروطیت می‌پردازد و از پیوستن آنها به جرگه مشروطه خواهان بخاطر نابسامانی وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران می‌پردازد. مقاله «بررسی سیاست‌های حمایتی دولت صفوی در قبال تهیدستان» با طرح نحوه حمایت‌های حکومت صفوی در قالب نذورات، صدقات، اطعام، نجات بیماران و ساخت دارالشفاء و مدرسه و بهبود زندگی سادات بخشی از موضوع را مورد بحث گذارده است. اما نوشتار حاضر فراتر از موضوعات یاد شده موارد متنوع تری از سازوکارهای حمایت اجتماعی را طرح و در دو بخش سنخ‌شناسی نموده است.

موضوع تحقیق از نظر فقدان سابقه در حوزه فرودستان شهری در دوره صفوی از ضرورت برخوردار است. شناسایی سازوکارهای حمایتی از فرودستان و سنخ‌شناسی آنان از زاویه طرح موضوع مقاله، نوآورانه است. همچنین مطالعه میزان تاثیرگذاری ساحت حکمرانی و مدیریت شهری در رشد و کاهش وضعیت فرودستی در جامعه صفوی، از جنبه‌های دیگر موضوع است که دارای ابعاد نویافته می‌باشد.

۲.۱ تعریف مفاهیم

کوب (cobb) حمایت اجتماعی (social support) را مجموعه کنش‌هایی تعریف می‌کند که شخص را به این اعتقاد می‌رساند که در یک شبکه ارتباطی مورد توجه و علاقه دیگران است و از سوی آن‌ها با ارزش و محترم شمرده می‌شود. حمایت اجتماعی شامل کمک و آرامشی است که کسی از رابطه‌ای پایدار و مداوم با شخص یا گروهی انتظار دارد که به صورت روابط دوسویه و غیررسمی و معمولاً خودبه‌خودی و سودمند است. (کوب ۱۹۷۶؛ به نقل از استانسفلد، ۱۳۸۷: ۱۸۹) حمایت اجتماعی باعث ایجاد جامعه هم‌بسته می‌شود. به طور کلی هدف از ایجاد و اتخاذ چنین سازوکارهایی، حمایت از افراد فقیر و نیازمند و توانمندسازی آن‌ها از طریق افزایش دارایی‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی است، تا بتوان از این طریق فرصت‌های مناسب و لازم را در دسترس آن‌ها قرار داد، تا بدین وسیله امنیت اقتصادی و معیشت این افراد تضمین شود. (گیدنز ۱۳۷۷: ۲۶) در این نوشتار منظور از حمایت اجتماعی هر گونه ابراز مساعدت و حمایت از جانب حکومت و یا گروه‌های اجتماعی است.

آنتونیو گرامشی (Antonio gramsci) (۱۸۹۱-۱۹۳۷ م.) واژه فرودستان (subaltern)، را در قالب تحلیلی طبقاتی برای توصیف گروه‌هایی به کار برد که توسط هژمونی طبقات حاکم نخبه، استثمار شده و به انقیاد درآمده‌اند. فرودست به معنی گرامشی به «افراد غیرنخبه ای اطلاق می‌شود که از ساختار قدرت جامعه کنار گذاشته شده‌اند و از توان عاملیت بوسیله نظام سیاسی و اقتصادی گروه‌های نخبه جامعه محروم شده‌اند.» (گرامشی ۱۳۶۲: ۲۷) البته این تعریف دارای گستره وسیعی است و جامعه را به دو گروه حاکم و محکوم تقسیم می‌کند و نمی‌تواند ملاک و معیار روشن و دقیقی برای شناسایی گروه‌های فرودست فراهم آورد. اما «ماکس وبر» (max weber) قدرت را تنها در ساختار سیاسی و میزان دوری و نزدیکی به آن نمی‌بیند. بلکه معتقد بود قشر بندی یا تفکیک اجتماعی تبلور سازمان‌یافته نابرابری قدرت در سطوح مختلف در جامعه است. منظور از قدرت، قدرتیست دارای ارزش اجتماعی که قابلیت کنترل موثر کنش‌ها یا اعمال انسانی در جامعه به شیوه مشروع را دارد. (ملک ۱۳۸۵: ۵۷) این قدرت نهادینه شده در عرصه اقتصادی، طبقه؛ در عرصه اجتماعی، پایگاه؛ و در عرصه سیاسی، قدرت سیاسی؛ می‌باشد. در این نوشتار فرودست شهری در دوره صفویه به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که دارای هر سه سطح محرومیت باشند و از هیچ یک از اشکال سه‌گانه قدرت در جامعه بهره‌مند نیستند.

طرد اجتماعی که یکی از مفاهیم نظری در طرح موضوع است عبارتست از فرایندی که در نتیجه آن گروه‌های اجتماعی و افراد معینی از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند. (بلیک مور، ۱۳۸۹: ۴۳۵) موقعیتی است که گروه‌های آسیب‌پذیر از حقوق و منابع معمول جامعه محروم می‌شوند. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۶۷-۴۶۸) انواع مکانیزهای طرد اجتماعی سبب فرودست سازی مردمان و تداوم این وضعیت می‌گردد. از این منظر طرد اجتماعی مفهوم مهمی در طرح و بسط بحث فرودستان بحساب می‌آید.

۲. بعد رسمی حمایت اجتماعی (The formal dimension of social support)

هابرماس (Jürgen Habermas) میان عقلانیت نظام اجتماعی (دستگاه رسمی) و عقلانیت جهان زندگی (گروه‌های اجتماعی) تمایز قائل می‌شود. در حالی که عقلانیت نظام اجتماعی مستلزم نظامی هنجاریبخش است، عقلانیت نظام اجتماعی مستلزم «کنش‌های متقابلی است که تحت هدایت توافق‌هایی مبتنی بر هنجارها [ی رسمی] نیستند بلکه مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر توافق‌هایی هستند که از رهگذر تفاهم ارتباطی بدست می‌آیند» (ریترز، ۱۳۷۹: ۳۴۰) از دید هابرماس دستگاه رسمی مبتنی بر سلسله مراتب و یک سری قوانین و مقررات است و پیروی از این شرایط اجباری است. گروه‌های اجتماعی و نهادهای غیررسمی در زمره زیست جهان قرار می‌گیرند که مبتنی بر روابط غیر رسمی و داوطلبانه است. افراد بصورت مستقیم یا یکدیگر در تعامل هستند و این روابط مبتنی بر سلسله مراتب نیست. با توجه به این ایده، حمایت اجتماعی در این نوشتار در دو بعد رسمی و غیررسمی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بُعد رسمی، حمایت‌هایی است که از طرف حکومت ارائه می‌شود همچون؛ انواع خدمات شهری و عمرانی، وام و مزایای مالی، مساعدت‌های مالیاتی، ترویج و گسترش امور خیریه در بطن جامعه و حمایت‌های قانونی از فرودستان می‌شود. بُعد غیررسمی نیز شامل انواع حمایت‌هایی است که فرد از سوی اطرافیان خود همچون خویشاوندان، دوستان، هم‌محلان و سایر گروه‌های اجتماعی دریافت می‌دارد.

۱.۲ ساخت و احیای اماکن عمومی شهری

ساخت و تجهیز اماکن عمومی و هزینه‌کرد عمرانی در شهرها را می‌توان بخشی از سیاست‌های حمایتی از فرودستان به حساب آورد. معمولاً گروه‌های برخوردار کمتر از اماکن و امکانات

عمومی استفاده می کردند و مزایای بهره برداری از آنها، بیشتر به اقشار پایین دست تعلق داشت. فیگوئروا اذعان دارد که «تنها زنهای فرودست از حمام عمومی استفاده می کنند.» (فیگوئروا ۱۳۶۳: ۳۲۲) و زنهای گروه های متعین در خانه حمام می کنند. (همان: ۱۵۸) همچنین اشاره شاردن به استفاده از امکانات بیمارستان عمومی نکات جالبی در بر دارد.

تبریز سه بیمارستان دارد که به خوبی از آنها نگهداری می شود و همه پاکیزه و تمیزند. در آنها کسی را نمی خوابانند اما به هر کس که آنجا بیاید، دو نوبت غذا می دهند. به این بیمارستانها آش داکن می گویند، یعنی جایی که اطعام می کنند. (شاردن ۱۳۷۲: ۴۷۸/۲)

معمولاً مردم عادی از امکانات غذایی و درمانی این بیمارستان ها استفاده می کردند که بصورت رایگان ارائه می شد. در دوره شاه عباس اول، آشپزخانه ای در اصفهان راه اندازی شد که روزانه قریب به ۴۰ دیگ غذا با هدف توزیع بین فقرا آماده می نمود. فقرا و نیازمندان در طول شبانه روز مرتباً به آشپزخانه مراجعه می کردند. دلاواله به سوءاستفاده برخی گروه های فرودست از امکانات بوجود آمده اشاره دارد؛ «صوفیان، ریاکاران و دارویشی که به علت تبلی نمی خواهند کار کنند و به همین دلیل روحانیت را بهانه کرده و ادعا می کنند وجودشان باید وقف دعا و نماز شود، خود را از این طریق تامین می کنند.» (دلاواله ۱۳۴۸: ۳۷۰) دلاواله درویشان را به تبلی و سوءاستفاده از باورهای اعتقادی جامعه، متهم می کند و نظر مساعدی بدیشان ندارد. افراد برخوردار نیز به جهت اجر آخروی، اقدام به ساخت اماکن عمومی عام المنفعه می نمودند. «حسین چلبی... از اکابر تبریز... مسجد و حمام و بازاری در جنب خانه خود ساخته و باسم او مشهور است.» (نصرآبادی ۱۳۵۲: ۱۱۸) اشراف و اکابر شهر نقش مهمی در عمران و گسترش کالبدی و ساخت و تجهیز اماکن عمومی بر عهده داشتند.

۲.۲ اندیشه عدالت ورزی و اصلاحات اقتصادی

عدالت شاه، محور نظریه ی دیرینه کشورداری ایرانیان و از ارکان اندیشه ایران شهری بود. منابع عصر صفوی بر محور این اندیشه از عدالت ورزی شاهان پیشین یاد می کردند و آن را به عنوان الگو و شیوه حکمرانی مطلوب، یادآور می شدند.

منور شد از نور عدلش جهان	فراموش شد عدل نوشیروان
اگر در زمان شه بی بدیل	شدی زنده نوشیروان فی المثل
بدیدی که از عدل شاه زمان	شده محو آیین ظلم از جهان

تدابیر و سازوکارهای حمایتی از فرودستان ... (سیدمحمدحسین محمدی) ۲۱۷

(قمی ۱۳۸۳: ۱/ ۴۸۸)

شاه در اندیشه ایرانیان قدرت بسیاری داشت و در عین حال موظف بود از رعایایش محافظت کند و با آنها به عدالت رفتار کند. اهمیت نقش شاه به عنوان عنصر تعیین کننده در مواجهه با مسائل رعایا در نوشته‌های سبزواری نیز به خوبی تشریح شده است. سبزواری با تاکید بر نقش سلوک شاه در الگودهی به جامعه اذعان می‌دارد که شاه با در پیش گرفتن سبک زندگی مطلوب، اجتناب از اسراف، بکارگیری سیاست مالی مناسب و قناعت در هزینه‌کردها، می‌تواند الگوی مناسبی برای مردمان باشد.

سایر رعایا و لشکریان به حکم الناس علی دین ملوکهم، اقتدا به این طریقه خواهند نمود و چون زیتها و تکلفات در ماکول و ملبوس و مفروش و مسکن و مرکوب کم شود و موتها آسان گردد، خرجها بر مردم سبک می‌شود و باعث معموری ملک و رعیت و لشکر می‌گردد؛ چه هرگاه مردم شیوه قناعت پیش گیرند و از سر زیادهای کم فایده بگذرند همه کس توانگر خواهند بود (سبزواری ۱۳۷۷: ۴۷۰-۴۷۱).

شاه با اتخاذ این رویه، فشار اقتصادی و مالیاتی کمتری بر رعایا وارد می‌آورد که به بهبود معیشت ایشان می‌انجامید. شاه طهماسب با این هدف به حاکم مشهد توصیه می‌کند.

در احقاق حقوق مسلمانان و دفع ظلم از عجزه و زیردستان به مضمون عدل ساعه خیر من عبادة سبعین سنه، عمل نماید... به نوعی به قواعد عدالت و رعیت‌پروری ممهّد گرداند که رعایای متفرقه آن بلاد بلکه عامه عباد از اطراف و اکناف ممالک به امیدواری آثار عدالت از روی توجه بدان آستان روی نهاده توطن و اقامت اختیار نمایند (قمی ۱۳۸۳: ۱/ ۳۸۱)

شاه عباس اول نیز با همین رویکرد طی برگزاری مراسمی که در میدان شاه برگزار می‌شد به امرا و حکام و درباریان توصیه‌هایی در «لزوم عدالت گستری و مراسم رعیت‌پروری ترغیب و تکلیف فرمود.» (افوشته‌ای نطنزی ۱۳۷۳: ۵۴۰-۵۳۹) این رویه و رویکردها در مقبولیت و محبوبیت شاه نقش مهمی داشت.

مشارکت گروه‌های فرودست در جنبش‌های اجتماعی مقارن روی کار آمدن شاه عباس بزرگ که از مدت‌ها پیش شروع شده بود، نشان از نارضایتی عامه از وضع سیاسی و اقتصادی صفویان در این دوران داشت. (یوسفی فر و دیگران ۱۴۰۰: ۳۲۸-۳۲۹)

فرودستان مترصد فرصت‌هایی بودند تا با همراهی سایر اقشار اقدام به اعتراض نمایند و یا پس از طغیان اولیه سایر گروه‌های بلافاصله بدانها پیوندند... آنها بیش از سایر اقشار به

کج روی و غارتگری نیل می نمودند و بهانه مناسبی جهت نارضایتی عمومی و سرکوب سریع حکومت را فراهم می آوردند (همان: ۳۳۲).

در ابتدای روی کار آمدن شاه عباس اول، قیم و نایب السلطنه شاه، مرشد قلی خان، مالیات تازه ای به نام مدد خرج لشکر و تفنگچی تعیین کرده بود و از سیورغالداریها به عنوان قیمت اسب جهت قورچیان می ستاند. دیگر حاکمان نیز به پیروی از مرشد قلی خان مالیات های جدید وضع کردند. شاه عباس اول در سال ۱۰۰۷ق نه تنها افزایش مالیاتی مرشد قلی خان را لغو کرد، بدعت های گذشته و اخذ مالیات گیری را نیز ملغی کرد و دستور مالیاتی زمان شاه طهماسب را احیا نمود. (اسکندریگ منشی ۱۳۱۴: ۲/ ۲۵۶) وی برخی مالیات ها را نیز کاهش و دستور داد «پنج دینار عملکرد حکام را که به مرور ایام در عراق معمول شده بود، اصل مال نقدی را با منافع تیولداری و داروغگی یکی را پنج از رعایا بگیرند» (همان: ۵۸۷) اقدامات عمرانی پس از چندین دهه از سر گرفته شد و شاه به ساخت اماکن شهری، جاده، کاروانسرا و احیای شبکه های آبیاری پرداخت. این امور موجب افزایش تولید کشاورزی و بهبود شبکه توزیع کالایی شد و درآمد حکومت نیز افزایش یافت. علاوه بر افزایش تولید کشاورزی، مقدار زیادی ابریشم و سایر محصولات غیرخوراکی نیز تولید شد که به خارج کشور صادر شد و این نیازمند مدیریت زمین، منابع و نیروی کار بود. در این دوره جمعیت اصفهان بیش از پنج برابر رشد کرد. (پیگولفسکایا ۱۳۵۴: ۵۲۳) که البته بخشی از آن بدلیل استقرار دربار صفوی در این شهر بود. اکثر شهرهای بزرگ ایران دوره ای از توسعه کالبدی را تجربه کردند و این به معنای افزایش جمعیت شهری بود. در دوره های افزایش جمعیت می بایست امکان مهاجرت روستائیان را در نظر گرفت که اگر بی رویه انجام شود، نشانه بیماری اقتصادی است، ولی شواهدی وجود دارد که در این دوره جمعیت روستاها نیز افزایش یافته است. (همان: ۵۳۳) شاردن مدعی است وضعیت روستائیان اطراف اصفهان از وضع دهقانان فرانسه به مراتب بهتر بوده است. (شاردن ۱۳۷۲: ۳/ ۱۲۳۸) به دلیل توجه به تولید و امنیت راه ها و بهبود امکانات حمل و نقل، تجارت داخلی و خارجی رشد یافت. تعداد زیادی بازرگان خارجی در شهرهای شیراز، تبریز، اصفهان و بندرعباس اقامت گزیدند. (همان: ۱۶۹۱/۵) «هرگاه ارزانی و فراغت حاصل باشد مردم بلاد دیگر را رغبت به وطن در آن ملک به هم رسد و جمعیت زیاد شود و باعث زیادتی معموری گردد.» (سبزواری ۱۳۷۷: ۴۶۸)

برخی امرا و حکام دوره صفویه نیز اسباب معدلت فراهم می آوردند. افوشته ای در وصف شیوه حکومت ابراهیم سلطان در مشهد می نویسد: «... پیوسته ارباب استحقاق طبقه دراویش را

به استنشاق رواج انعام بهرمنده ساخته و ابواب فراغت بر روزگار ایشان می‌گشود» این توصیف و تاکید درباره خان احمد حاکم گیلان، مرتضی قلی سلطان حاکم هرات و برخی دیگر از حکام نیز وجود دارد. (افوشته‌ای نظنزی ۱۳۷۳: ۳۷ و ۴۸-۴۷، ۶۹) خسرو خان حاکم کردستان در زمان قحطی سه هزار خروار غله به فقرا و ایتم بخشید. (ابن رستم بابانی ۱۳۷۷: ۷۱) حمایت از توده‌ها در دوران سختی و قحطی از اهمیت بیشتری برخوردار بود. به نظر می‌رسد تدابیری برای سرپرستی و حمایت از بی‌سرپرستان و افراد آسیب‌پذیر همچون، زنان بیوه و ایتم و اصغار در روزگار شاه‌طهماسب اول وجود داشته است. (قمی، ۱۳۸۳: ۱ / ۵۹۸)

... در بلاد... مشهد مقدس، سبزوار و استرآباد و قم و کاشان و یزد و تبریز و اردبیل چهل نفر از ایتم ذکور و چهل نفر از اناث ملبوس و مایحتاج تعیین فرموده، معلم و معلمه شیعه مذهب پرهیزگار و خدمتکاران صلاحیت‌شعار قرار داده تربیت می‌کردند (اسکندریگ منشی ۱۳۱۴: ۹۴/۳).

شاه طهماسب «...هرساله مبلغ‌های کلی زر نقد از خزانه عامره به هر شهری جهت اخراجات ایشان می‌فرستادند» (قمی ۱۳۸۳: ۱ / ۵۹۸).

تخفیفات مالیاتی یکی دیگر از راهکارهای اقتصادی بهبود معیشت مردم بود. در دوره‌های ضعف اقتصادی و کساد بازار، برقراری شرایط جنگی، بلایای طبیعی و یا به جهت تبرک ایام، تخفیفات مالیاتی شامل حال رعایا می‌گشت. شش فرمان به اعطای تخفیف مالیاتی به اقشاری از جامعه که دچار اختلال در کسب و کار شده بودند، اختصاص یافته است. به عنوان نمونه فرامین تخفیف مالیاتی یک بار در سال ۱۰۳۷ ق. توسط شاه عباس و سپس در دوره شاه صفی سال ۱۰۳۸ ق. و بار دیگر به سال ۱۰۴۶ ق. اعمال گردید. در فرمان دوم شاه صفی، جماعت کهنه فروشان و کهنه چینان، گاوگله‌بانان و چوپانان، ماماچگان، نوحه‌گران، مشاطگان، تون بانان، منقیان، آسیابان، صیادان، شودمالان، دشتبانان، ترک طیبیان، جراحان و لش‌کشان نیز به همراه جماعات سلمانی و سلیمانی (آینه‌داران و رنگ‌بندان) مشمول تخفیفات مالیاتی از قبیل «اخراجات اعم از علفه و علوفه و قلنغا و الاغ و الام و پیکار و شکار و دست‌انداز و پیش‌کش و سلامی و عیدی و نوروزی و وجوه کپک مرنی و زر تفنگچی و سایر تکالیف دیوانی را شامل می‌شده است.» (کریمیان و سادات بیدگلی ۱۳۸۷: ۴۲-۴۵). نکته قابل توجه در فرمان ۱۰۴۶ ق. اینست که تخفیفات مالیاتی بر مشمولین از شهری به شهر دیگر متفاوت است و به نظر می‌رسد پیشه‌های رایج در هر شهر با شهر دیگر متفاوت بوده است. (صادقی ۱۳۹۶: ۱۱) در فرمان شاه که در مسجد جامع یزد نصب شده است از برخی گروه‌های فرودست همچون کولیان و یا

رعایای فیوج نام برده شده است که از پرداخت مالیات معاف شده اند که نشان می دهد گروه های کم بضاعت نیز مالیات هایی به حکومت پرداخت می کردند. (صادقی ۱۳۹۶: ۱۳) شاه عباس اول مردم مناطقی که به تازگی از چنگ عثمانیان آزاد کرده بود، را برای مدت دو سال از پرداخت مالیات معاف نمود. «... جمعی از رعایا را که از عبور لشکر روم خسارت و نقصان رسیده بود، در این سال و سال دیگر از مالوجهات و عوارض دیوانی معاف فرمودند.» (اسکندریگ منشی ۱۳۱۴: ۵۸۴/۲) وی همچنین به نشان خشنودی از همراهی مردم اصفهان برای جنگ های مداومش با عثمانی پاره ای از مالیات ها را به مدت سه سال بخشید. (فلور ۱۳۹۴: ۳۰۶)

یکی دیگر از اقدامات حمایتی شاه عباس اول از مردم برخوردار با سوء استفاده دیوانیان و مالیات گیری خارج از قاعده دولتیان و محصلان مالیاتی بود. مبلغ دوهزار تومان مالیات سالانه مردم کاشان و قصباتش را به سیصد تومان کاهش داد. وی همچنین پنج نفر از محصلان مالیاتی و ماموران دولت را که در طول چند سال از طریق اخادی از مردم و غارت آنها ثروتی هنگفت جمع کرده بودند را به دار آویخت. (افوشته ای نظری ۱۳۷۳: ۴۶۳-۴۶۰) در کنار این رویه، شاه هر ساله مبالغی را به عنوان هدیه به «رعیت و عجزه» می پرداخت. این هدیه در سال ۹۷۱ ه.ق هزار تومان عراقی بود. بخشی از درآمدهایی که از روسپی خانه ها به دست می آمد به دستور شاه برای کمک به مستمندان در نظر گرفته می شد. وی معتقد بود کمکی که به مستمندان می شود نباید از دیگران به زور ستانده شده باشد. «مردم به میل خود مالیات نمی دهند، ولی هیچ کس بیش از آنهایی که به روسپی خانه می روند به میل خود پول نمی دهد.» (اولناریوس ۱۳۸۵: ۳۵۶) البته قصد شاه نشان دادن هزینه کرد حرفه غیر شرعی در مصارف عام المنفعه و خیریه بود تا اندکی از سرزنش های اهل دیانت رهایی یابد. دلاواله از نحوه حکمرانی شاه عباس اول اظهار خشنودی می کند و تدابیر آن را به نفع مردم می داند:

شاه برای مردمش مانند پدر است به رعایای خود زمین و حشم می بخشد و به هر کس که نیازمند است پول کافی، به مستمندان بی عوض پول می دهد و حتی برایشان همسر پیدا می کند و آنها را به آموختن هنر تشویق می کند... (دلاواله ۱۳۴۸: ۱۷۲-۱۷۱)

۳.۲ کارکرد حمایتی موقوفات

نهاد وقف از سابقه طولانی برخوردار است و به عنوان تامین کننده نیازهای مالی دستگاه تبلیغ مذهبی مورد توجه قرار داشت و «هرچه اهمیت و اعتبار این نهاد بیشتر می‌شد، حاکمیت تلاش بیشتری برای نظارت بر آن اعمال می‌کرد.» (احمدی ۱۳۹۰: ۲۵-۲۷) پادشاهان صفوی به وقف املاک خود با نیت‌های متفاوت پرداختند و برای اداره آن تشکیلات گسترده‌ای ذیل مقام صدر راه‌اندازی نمودند. (جهانگشای خاقان ۱۳۶۴: ۱۵۳) ایجاد چنین منصبی در ابتدای روی کار آمدن شاه اسماعیل گویای توجه وی به موقوفات و کنترل آنها می‌تواند تلقی گردد. (نوایی و احمدی ۱۳۸۱: ۲۴-۲۵) صدور صفوی با دستیابی به منابع عظیم مالی موقوفات توانستند بسرعت قدرتمند شوند.

میرحیدر کاشی معمایی... شروع در امر صدارت نمودند. شاه کامیاب [سلطان محمد خدابنده] ویرا چنان اختیار و اقتدار دادند که هیچ زمانی صدور به این استقلال و حشمت و شوکت نبودند. تمامی نذورات و خمس و وجوهات وقفی که در خزانه عامه بود، تمام به رقم وی به مصرف می‌رسید و تولیت اوقاف سرکار حضرات چهارده معصوم که شرعا بدان اعلیحضرت تعلق داشت، به اسلام‌پناه مذکور عنایت کردند که محصولات آنرا به رقم خود به ارباب استحقاق رساند (قمی ۱۳۸۳: ۲/۶۶۹).

در نیمه دوم حکومت صفوی شاهد تفکیک وظایف صدر و پیدایش دو منصب «صدر خاصه» و «صدر عامه» هستیم. (میرزاسمیعا ۱۳۷۸: ۲) لزوم تفکیک وظایف مقام صدارت به «صدر خاصه» و «صدر عامه»، گویا از زمان شاه عباس اول یا جانشینان او و با ایجاد موقوفات عظیم سلطنتی احساس شد. (شاردن ۱۳۷۲: ۴/۱۳۳۶)

مهمین بانو دختر شاه اسماعیل اول بسیاری از املاک خود در آذربایجان را «...به رعایت مساوات علما و فضلا و عجزه و رعایا مصروف داشته... وقف بر حضرات عالیات چهارده معصوم صلوات الله علیهم اجمعین فرموده (قمی ۱۳۸۳: ۱/۴۳۰) شاه عباس اول و دوم بخش بزرگی از املاک و اموال شخصی خود را وقف و بخشی از مصارف این موقوفات را برای نیازمندان مقرر شده بود.

موقوفات سرکار حضرات عالیات... چهارده معصوم که از خیرات و میرات نواب گیتی ستان [شاه عباس دوم] و تولیت شرعی آن موافق شرط واقف با اعلیحضرت ظل‌الهی است و هر سال حاصل آن قریب به مبلغ سیزده چهارده هزار تومان می‌شود و در وجه ارباب استحقاق مقرر است... (همان: ۶۲۱-۶۲۲).

درآمد این موقوفات کفاف احتیاجات فرودستان جامعه را نمی‌داد پس شاه دستور داد اعتبار بیشتری برای ایشان در نظر گرفته شود. (همان)

گذشته از خاندان سلطنتی که بر وسعت زمین‌های وقفی می‌افزودند، در صاحبان املاک خصوصی نیز تمایل وقف املاک پدید آمد. زیرا زمین‌های وقفی به اندازه سایر زمین‌ها توسط شاه و درباریان غصب و مصادره نمی‌شد و مالکان با وقف کردن زمین‌هایشان تا حدی موفق به حفظ آن‌ها می‌شدند. (لمتون ۱۳۶۰: ۲۲۴) از محل موقوفات گرمابه و بازار الله‌وردی خان، «همه روزه بیش از صد فقیر اطعام می‌شدند» (وحید قزوینی ۱۳۸۳: ۲۳۵) از مجموع ۲۲۵ وقف‌نامه صفوی مربوط به سه شهر اصفهان و کرمان و مشهد (احمدی ۱۳۹۰: ۱۴۷) یازده وقف‌نامه مربوط به اطعام فقرا، دو وقف‌نامه برای سادات بی بضاعت، سه وقف‌نامه برای مصرف هزینه‌های غلامان، بیست و چهار وقف‌نامه برای هزینه مدارس و چهارده وقف‌نامه برای زوار، غربا و این سبیل شناسایی گردید. بخشی از درآمد موقوفاتی که محمد بیک ناظر بیوتات سرکار خاصه شریفه در سال ۱۱۲۰ ق بر آستان رضوی داشته است به هزینه تحصیل کودکان یتیم با اولویت به کودکان سادات اختصاص داده شده است. (همان: ۵۹) برای سرپرستی و نگهداری کودکان یتیم وقف‌نامه‌ای وجود دارد. (همان: ۱۷۰) و حاکی از اینست که مکان‌هایی برای نگهداری از ایتم مهیا و مصارف موقوفه بدانجا اختصاص یافته است.

۴.۲ دیوان مظالم

در متون اخلاقی و اندرزنامه‌های سیاسی نیز از مراعات رعایا توسط شاه سخنها رانده شده است. «...باید دانست که مراعات حقوق رعیت معدلت است و دست از ظلم و تعدی بازداشتن و دست ظالمان را از رعایا و زیردستان کوتاه کردن» از مسئولیت‌های حاکم است. (سبزواری ۱۳۷۷: ۴۴۷) مردم عامی بویژه فرودستان معمولاً شاه را عادل می‌پنداشتند و تصور می‌کردند اگر شاه از جور منصوبان اطلاع یابد، مانع ستم آنها به رعیت می‌شود و یا حداقل از فشارشان می‌کاست. در واقع همانگونه که شاه چندان از حال فرودستان باخبر نبود، فرودستان نیز از احوال و کردار شاه خود، تقریباً بی‌خبر بودند. در واقع «شاه خارج از دنیای سیاست فرودستان بود و فرودستان نیز بیرون از دنیای او.» (هابسباوم ۱۳۹۸: ۲۸۹) بدینصورت مردمان در مواقع مواجه با ستم تلاش داشتند با طرح دعاوی خود در حضور شاه، او را در جریان ستمگری منصوبانش قرار دهند و از عدالت وی بهره‌مند گردند. رسم رسیدگی به شکایات مردمی با حضور شاه یکی از راهکارهای مهم رعیت پروری و حمایت مردمی بود. هنگامی که شاه در

تدابیر و سازوکارهای حمایتی از فرودستان ... (سیدمحمدحسین محمدی) ۲۲۳

جریان دعاوی ستمدیدگان قرار می‌گرفت، عامل مهمی جهت تعدیل ستم صاحب منصبان به حساب می‌آمد. بر مظالم نشستن و در دسترس بودن شاه برای رفع ستم از رعیت، از رفتارهای بی‌رویه حکام و ابستگان دستگاه سیاسی تاحدی جلوگیری می‌نمود.

دادخواهی از شاه به چند طریق ممکن بود. رساندن عریضه به دست شاه هنگامی که از محل استقرارش خارج می‌شد. شاه اسماعیل دوم حتی منصبی برای این کار معین کرده بود. وی کمی پس از جلوسش، «احمدبیگ آساش‌اغلی استاجلو را به سمت حامل عریض مظلومین و فقرا پروانچی عجزه و مساکین...» (قمی، ۱۳۸۳: ۲/۶۲۷) منصوب داشت و این نشان از اهتمام شاه برای آگاهی از نحوه حکمرانی منصوبانش بود. اگرچه دربرخی موارد امرا و صاحب منصبان می‌توانستند با پرداخت رشوه و یا روابط شخصی عریض را از گردش کار رسیدگی خارج و بی‌اثر نمایند. (سانسون ۱۳۴۶: ۱۸۰) راه دوم رساندن شکایت از طریق مقامات درباری بود که معمولاً با پرداخت پول زیاد و یا روابط شخصی صورت می‌پذیرفت. راه سوم بست نشینی معترضان در مکان‌های حضور شاه بوده که وی را متوجه اعتراض آنها می‌نمود. شاه اسماعیل دوم کمی‌پس از جلوس در سال ۹۸۴ ق. یک شورای قضایی به نام «دیوان عدالت» تشکیل داد و مقرر کرد هفته‌ای دو بار در معیت وزیر اعظم و دو نفر از امرای قزلباش، محکمه تشکیل شود. (قمی ۱۳۸۳: ۲/۶۲۷)

در این ایام [۹۸۵ ه. ق.] حسام بیک ولد بیرام بیک قرامانی که نسبت قرابت از جانب مادر به شاه جمجاه [اسماعیل دوم] داشت، بواسطه آنکه فقیری را به قتل آورده، در شهر متواری گشت آخر گرفتار شده به حکم پادشاه زمان مصلوب گشت و... هیچکس را یاری زیادی و میل ستمی بر ادنی کسی نمی‌شد (همان: ۲/۶۴۹).

سال اول روی کار آمدن شاه عباس بزرگ شکایات مردم گیلان از مهدی قلی خان سبب خلع وی گردید و حاکم جدیدی به گیلان فرستاد تا در تثبیت مالیات دیوانی و تعرفه‌های دیگر به شیوه مناسب بکوشند. (اسکندریبگ ۱۳۱۴: ۲/۳۱۲) در روزگار وی وزیر اصفهان بصورت هفتگی از مردم عرض حال جمع می‌کرد. شاه عباس دوم نیز در سال ۱۰۶۵ ق. نظام دادخواهی به ریاست خودش برپا کرد. شاه سه روز در هفته در تالار طویله به مظالم می‌نشست. «از وقوع این امر به تازگی صیت مظلوم نوازی و رعیت‌پروری این خسرو عدالت گستر... انتشار یافت... تا دست ضعیفان به دادن عریض دراز است. اقویا ایادی تسلط کوتاه...» (وحید قزوینی ۱۳۸۳: ۵۵۷) بسیاری از حکام و منصوبان دیوانی در دیوان مظالم عزل و کارشان به مصادره اموال، زندان و یا قتل می‌انجامید. (همان: ۶۱۵ و ۷۳۱ و ۴۷۵) در زمان دو شاه آخر صفوی این رسم

بکلی ناپدید گشت. «مردم نمی‌توانند عرایض و تظلماتشان را به شاه سلیمان برسانند.» (سانسون ۱۳۴۶: ۱۸۰) این امر به فراگیری ظلم و خودسری حکام محلی و منصوبان درباری در اقصی نقاط کشور انجامید.

۵.۲ اندیشه شایسته‌سالاری و تحرک عمودی

سبزواری در بخشی از روضه الانوار به رعایت شایسته‌سالاری در بکارگیری افراد برای مناصب اشاره دارد تا جامعه از ثمرات کاردانی نخبگان دیوانی بهره برد.

شرط دوم در معدلت آن بود که پادشاه در احوال و افعال اهل مدینه نظر کند و مرتبه هر یک را فراخور استحقاق و استعداد و قابلیت هرحد و مرتبه نگاه دارد و هرکس را بر درجه‌ای که استحقاق آن دارد، مرتب دارد (سبزواری ۱۳۷۷: ۵۱۱-۵۱۲).

برخی شاهان صفوی در مواردی افراد دون پایه را بخاطر لیاقتشان به مناصب حکومتی می‌نشانند. این شایسته‌سالاری که البته در دوره‌هایی صورت می‌پذیرفت به دلیل خدماتی که فرد ایفا می‌نمود، از اهمیت برخوردار است. دستگاه دیوانی اگر بتواند وظایفش را به نحو مطلوب ارائه دهد، در مسیر خدمت‌رسانی به جامعه قرار می‌گیرد. از این منظر توده‌های آسیب‌پذیر، صدمه کمتری از عواقب تصمیمات دستگاه سیاسی می‌بیند. نمونه‌ای از این افراد

مولانا زین العابدین تکلتنوخان... اصلش از شیرازست. در اوایل سفر بسیار کرده بود و اوقات به معرکه‌گیری صرف می‌نمود و آخر به خدمت صاحبقران [شاه طهماسب اول] مغفور افتاده چندان رعایت یافت... ظرایف و لطایف که در میان او و صاحبقران مغفور واقع شده مشهورست (سام میرزا ۱۳۸۹: ۱۲۴).

شاه عباس اول، نیز در یکی از شبگردی‌های مخفیانه خود در اصفهان متوجه درایت شیرفروشی شد و او را به سمت رئیس قراولان شاهی نشانید. (مانورینگ ۱۳۸۷: ۸۰) رئیس خواجه‌های دربار شاه عباس اول، فرزند یک کشاورز هندی بود و مستوفی مالیه فرزند یک کشاورز قزوینی بود. ایشیک آقاسی باشی خوانسالار شاه نیز پسر چوپانی فقیر بوده است. (ژاکن ۱۳۹۵: ۲۴۰) در عرصه نظامی بسیاری از مناصب به غلامان گرجی و قفقازی سپرده شد که بر اساس شایستگی، مدارج را طی می‌نمودند و شخص شاه آنها را برمی‌کشید.

فندرسکی به لزوم تحرک اجتماعی در جامعه صفوی اشاره دارد. وی در فصلی از تحفه العالم باعنوان «سیاست شاه صفی در برکشیدن نسل جدید» به اعتقاد شاه در سپردن مناصب لشکری و کشوری به افراد شایسته و بالیاقت از مردم دون پایه اشاره دارد.

...شاه صفی،... مکرر بر زبان مبارک می آورده، که امرا و ارکان دولت ما گمان نکنند که این مناصب، شایسته ایشان و سلسله ایشان است و بس، از این جهت که در سلسله ایشان بوده؛ که منصب، به میراث به کسی نمی رسد، بلکه به قابلیت ذات و شایستگی صفات و اهلیت و استحقاق آن حاصل می شود.... چنان که با وجود جمعی از سلسله های وزرای عظام سوابق ایام این دولت ابدملت، میرزا تقی را که هیچ یک از آبا و اجدادش ادنی منصبی هم نداشتند، اعتماد الدوله نمود و با وجود جمعی کثیر از سلسله های صدور سالف اوقات و احیان و مراتب اعتبارات ایشان، صدارت کل را به میرزا حبیب الله که هیچ یک از آبا و اجداد او به منصبی نگشته بودند، تفویض فرمود و غلامان معتبری که شاه گیتی ستان فردوس مکان، ایشان را تربیت کرده به مدارج سرداری و دیگر مرتبه ها رسانیده، مشهور و معروف ساخته بود، هیچ یک را منظور نظر نداشته، سپهسالاری به غلامی دیگر که در ادنی مرتبه از مراتب ایشان هم نبود، عنایت فرموده از همگنان ممتاز ساخت، و منصب دیوان را هم به غلامی که بسیاری از دیگر غلامان از او معتبرتر بودند، تفویض نمود... (فندرسکی ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۲۴)

۳ بعد غیررسمی حمایت اجتماعی (The informal dimension of social support)

۱.۳ گفتمان دینی و کارکرد حمایتی مناسک و مناسبت های مذهبی

آدمی هیچ گاه فارغ از درد و رنج دیگران نبوده است. تعاون، ایثار و از خودگذشتگی همواره بخشی از رفتار اجتماعی انسان را تشکیل می داده است. این اصول انسانی مورد تاکید ادیان آسمانی نیز قرار داشت. آیات قرآن مومنان را به انجام امور خیریه، انفاق و حمایت از افراد ضعیف توصیه و پاداشش را در دنیا و عقبی ضمانت می نماید. (بقره: ۲۷۳ و کهف: ۴۶) یکی از کارکردهای مناسبت مذهبی، اطعام مستمندان بوده است. اطعام مستمندان در برخی ایام سال در ماه های محرم، صفر و رمضان و اعیاد مذهبی در مساجد، منازل، تکایا و موقوفات انجام می شد. (سام میرزا ۱۳۸۹: ۱۶) این گونه امور اگرچه محدود و ناپیوسته بود، اما می توانست تا حدودی نیازهای غذایی برخی محتاجان را فراهم سازد. دلاواله در توضیح مراسم عید قربان می نویسد: «بخشی از گوشت های قربانی بین ساکنین محلات مختلف به ویژه محله های

حاشیه‌ای شهر تقسیم شد و مابقی گوشت‌ها را مردمی که منتظر پایان مراسم بودند، برداشتند.» (دلاواله ۱۳۴۸: ۱۱۱) کاری نیز به سهم فقرا از گوشت قربانی عید اشاره می‌کند و می‌نویسد: «سهمی نیز به فقرا اختصاص داشت.» (کاری ۱۳۴۸: ۹۵) ساوجی وزیر شاه طهماسب در دستگیری از فقرا و تهیه امکانات محتاجان، در ماه رمضان بسیار کوشا بود. (روملو ۱۳۸۴: ۲۵۹) ماه رمضان نیز موقعیت ویژه‌ای برای رسیدگی به محرومین جامعه فراهم می‌آورد. این ماه به دلیل فضای معنوی خاصی که ایجاد می‌نمود روحیه تعاون و ایثار را در جامعه پررنگ می‌نمود و ویژه‌ی روایات بسیاری از ائمه معصومین وجود داشت که در این ماه به اطعام نیازمندان و رسیدگی به محرومان می‌پرداختند.

۲.۳ کارکرد حمایتی مشاهد و مقابر مقدس

یکی از کارکردهای اماکن مذهبی، اطعام فقرا و حمایت از ایشان بود. آستان امام رضا (ع) در مشهد و حضرت معصومه (س) در قم و مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی در زمره مکان‌هایی بودند که پیوسته وعده‌های غذایی بین زائران و نیازمندان توزیع می‌کردند. بر سر مزار شاه صفی و شاه عباس دوم در بارگاه حضرت معصومه (س)، همواره ظرف‌های بزرگی از غذا برای اطعام فقیران و مستمندان قرار داشت. هزینه‌ها از محل موقوفاتی تأمین می‌شد که بر مقابر این شاهان وقف شده است.

قریب سه هزار و دویست تومان معادل صد و چهل هزار لیور به مصرف نگهداری، خدمات و مخارج مختلف مقابر شاه عباس دوم، شاه صفی و حرم حضرت معصومه در قم بود. مخارج نگهداری و تعمیر و ترمیم بناها، هزینه نگهداری اثاثه، بهای شمع و روغن مشعل‌ها، خرج روزانه روحانیون ساکن آستانه و طلاب علوم دینی و هزینه اطعام بینوایان و مستمندان از این محل [موقوفات] تأمین می‌شود. (شاردن ۱۳۷۲: ۵۳۰/۲-۵۳۱)

در حرم حضرت معصومه (س)، اتاق‌هایی برای اطعام فقرا وجود داشت.

غربا و مساکینی که بدانجا می‌آیند با پارچه‌ای گوشت و مقداری نان و پلو رایگان اطعام می‌شدند. چند حجره دیگر نیز دیده می‌شود که گفتند اشخاص قرضداری که نتوانند از عهده پرداخت دین خود برآیند در آنجا متحصن می‌شوند و در طول مدت تحصن به هزینه اوقاف مسجد امرار معاش می‌کنند و طلبکاران نیز راهی برای مطالبه طلب ندارند.

تدابیر و سازوکارهای حمایتی از فرودستان ... (سیدمحمدحسین محمدی) ۲۲۷

مقروضانی که توان ادای دین خود را ندارند، با بست‌نسیبی در حرم، خود را از پی‌گیری قضایی می‌رهانند؛ صدقاتی نیز به شکل وجه نقد هرچند وقت یکبار، میان فقرا تقسیم می‌شود. (کاری ۱۳۴۸: ۵۵) هنگام عزیمت شاه عباس دوم و ایام توقف وی در شهر قم

... مکرر بزیارت آستانه رفته مقرر داشتند که سه روز متوالی هر روز پانصد قاب طعام و حلوا و پالوده طبخ نموده در مرقد مطهر نواب خاقان رضوان مکان بفقرا و مستحقین برسانند... و مبلغی خطیر از سرکار خاصه شریفه بانعام فقرا و مستحقین مقرر گردید (وحید قزوینی ۱۳۸۳: ۶۶۴-۶۶۵).

شاه طهماسب توجه ویژه به بقاع متبرکه داشت و روزانه مبلغ ۵ تومان برای اطعام فقرا و کارکنان مرقد امام رضا(ع) در مشهد هزینه می‌کرد. (افزوده‌ای نظنزی ۱۳۷۳: ۱۵) در سال ۹۶۵ق.

بیرام خان مرد شیعه موالی بود و رعایت سادات و مؤمنان بسیار فرمودی. هر که از خراسان به آن جانب رفتی رعایتها یافتی. پیوسته نذورات به سرکار حضرت امام... ثامن ضامن و خدام و حفاظ و زوار و طلبه آن آستانه فرستادی (قمی ۱۳۸۳: ۱/۴۰۵).

بقعه شیخ صفی به واسطه قدرت مالی فراوانی که داشت، روزانه تعداد بی‌شماری از زائران و بی‌بضاعتان را اطعام می‌کرد. «تنها در یک روز به هزار گوسفند احتیاج افتاد.» (پیرزاده زاهدی ۱۳۹۵: ۳۸) اولثاریوس شرح می‌دهد که روزانه برای بیش از هزار نفر غذا تهیه می‌شد و فقرا می‌توانستند روزی سه وعده غذا بخورند. (اولثاریوس ۱۳۸۵: ۱۳۰) شاه اسماعیل دوم پس از جلوس، به دارالارشاد اردبیل می‌رود و «... دست دریا نوال به اعطای نذور و صدقات و انواع خیرات و مبرات گشاد.» (واله اصفهانی ۱۳۷۲: ۵۱۳) هزینه عمده مصارف بقعه از طریق موقوفات تامین می‌شد و بخشی از وجوهات مصرفی این بقعه نیز توسط شاه، صوفیان و مریدان صفوی تامین می‌شد. (اولثاریوس ۱۳۸۵: ۱۳۳)

مردم به جهت ارادت و ادای دین به بزرگان دینی و یا برای برآوردن حاجاتشان نذوراتی را در اشکال مختلف مالی، کالایی و یا خدماتی را بر مشاهد و مقابر مقدس قرار می‌دادند.

رسم بسیار متداول نزد ایرانیان نذر کردن است. هنگامی که به مسافرت می‌روند یا می‌خواهند کار مهمی دست بزنند و نیز موقع بیماری یا بحران‌های دیگر، نذوراتی به بقعه [شیخ صفی] هدیه می‌کنند... از اینرو روزانه پول نقد بسیار، اسب و الاغ و شتر و... به این محل به عنوان نذر و صدقه وارد می‌شود. (همان: ۱۳۳)

رسم نذورات بسیار فراگیر بوده و در همه شهرها و روستاها برگزار می شده است.

در کاروانسرای نزدیک ماهین مسجدی بزرگ وجود داشت که از محل درآمد آن طبق یک سنت قدیمی، راهگذران فقیر سه روز متوالی اطعام می شدند. مردم برای این مسجد یا مقبره داخل آن احترام قائل هستند و هدایایی بسیار و وجوه سرشاری بدان نذر می کنند و صدقاتی تیمناً از آن دریافت می کنند (فیگوئروا ۱۳۶۳: ۱۹۳).

۳.۳ کارکرد حمایتی انفاق، صدقات و خیرات

هدف اصلی «از برقراری کلیه اقسام انفاق در اسلام از جمله زکات، خمس، کفارات مالی و سایر اقسام فدیة و انفاقات واجب و صدقات مستحب، وقف، وصیت و هبه در جامعه اسلامی ارتقای سطح زندگی طبقات فرودست جامعه است.» (طباطبایی ۱۳۶۳: ۲/ ۵۳۷-۵۳۸) بخشش مال به دیگری برای رضای خداوند، در قرآن، احادیث و روایات بسیار توصیه شده است. در سوره ذاریات تعبیری از این مطلب ارائه شده است: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» و در اموال آنان (مومنان) حقی برای سائل و محروم قرار دارد. (ذاریات: ۱۹) برابر این آیه، مؤمنان برای فقرا و مساکین در اموالشان حقی قائل است که در صورت اجرای این منویات علاوه بر اجر اخروی، پیامدهای متعدد دنیوی نیز بر آن مترتب گردیده است تا مردم بیشتر بدانها ترغیب گردند. (بقره: ۲۶۱ و ۲۷۱) روایاتی همچون صدقه از هفتاد نوع بلا، که آسانترین آن‌ها برص و جذام است، پیش گیری می کند. (مجلسی ۱۳۶۳: ۱۳۷/۹۶ و ۷۱ و ۶۲) رزق و روزی را افزایش می دهد و از مرگ ناخوشایند و ناگوار جلوگیری می کند. (همان: ۶۴/۹۶ و ۱۳۲) و همچنین بهترین دارو برای درمان امراض به شمار می آید. (حرعاملی ۱۹۵۲: ۶/ ۲۶۰) طرح این دیدگاهها به رونق این امر می انجامد. صدقه در متون دینی تنها به مساعدت‌های مالی خلاصه نمی شود، بلکه دامنه وسیع تری دارد. هر کار خیری که فرد انجام دهد در زمره صدقه به حساب می آید، اما بارزترین آنها کمک نقدی است. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۶۸/ ۷۸)

هلالی جغتایی شاعر عصر صفوی یک باب از مثنوی شاه و گدا را به ضرورت احسان بینویان و نواختن ایشان اختصاص داده است. توصیه‌های اخلاقی در حمایت از فرودستان در سراسر کتاب وجود دارد.

چو بینی تیره بختی را سیه روز شبش را همچو قرص مه برافروز
بآب از تشنگی می ده نجاش که باشد آب تو آب حیاتش

تدابیر و سازوکارهای حمایتی از فرودستان ... (سیدمحمدحسین محمدی) ۲۲۹

بسرما گر شود از خویش نومید بپوش از خلعت گرمش چو خورشید
ور از احسان نمایی ترک آزار برد دامن کثانت جانب یار

(هلالی جغتایی ۱۳۳۷: ۲۹۸)

ساوجی وزیر شاه طهماسب

در اوایل زمستان با هزینه شخصی اقدام به تهیه لباس و جامه‌های گرم برای بی‌بضاعتان می‌نمود و مقرر کرده بود که مریضان محتاج را اسباب علاج از شربتخانه او بستانند. یکی از ملازمان را مامور کرده بود که در اطراف ولایت بگردد، محتاجی یا طالب علمی بی‌بضاعت یافت احتیاجش برآورد (روملو ۱۳۸۴: ۲۵۹).

خیرالنسا بیگم مهد علیا، همسر محمد خدابنده نیز

حسب المقدور انعامات و اکرامات دربارہ حاجتمندان مبذول داشته بینوایان را نوازش می‌فرمود و ابواب احسان و رعایت بر روی امیدشان می‌گشود و درویش و گوشه‌نشینان بادیه بی‌سرانجامی و ساکنان زاویه ناکامی را بتصدقات و تفقدات بکام دل می‌رساند (افوشته‌ای نظنزی ۱۳۷۳: ۷۱)

در میان گزارش‌هایی که از بزرگان علم و ادب و طریقت روایت شده به دو حسنه تاکید زیادی شده است: نخست مساعدت فقیران و دیگری تاکید بر قناعت و دوری از دنیا. (نصرآبادی ۱۳۵۲: ۱۱۷) «عرب آقا... مرد درویش بی تعلقیست در کمال گذشتگی، اسباب خطیری از پدر باو رسیده تمام را صرف فقرا و اهل صلاح کرده.» (همان: ۱۴۸) و «عباس قلی خان... در مراعات... فقرا و مستحقین کوتاهی ننمود.» (همان: ۲۲) همچنین «میرزای کافی... از افراط همت اسباب پدر را صرف محتاجان نموده...» (همان: ۱۴۳) مراسم شادی و تعزیت نیز فرصتی برای تقسیم خیرات و صدقات به حساب می‌آمد. هلو خان حاکم کردستان در زمان شاه عباس اول به خاطر عروسی پسرش به اطعام و لباس دادن فقرا پرداخت. (ابن رستم بابانی ۱۳۷۷: ۴۲) در روز خاکسپاری شاه طهماسب او

مقرر شد خرمن‌ها از گوشت پخته بر سر هم ریزند که بعد از کشیدن آتش و شیلان مذکور گدایان و محتاجان را به غارت آن رخصت دهند... تا مدت‌ها گدایان و وحوش و طیور از نزدیک و دور مدار از آنجا می‌گذرانیدند (افوشته‌ای نظنزی ۱۳۷۳: ۳۵) و حسینی استرآبادی ۱۳۶۴: ۹۶).

پس از مرگ شاه سلیمان نیز سیل عظیم خیرات برای شاه در گذشته تا مدتی برقرار بود. «تا پایان عزاداری [فوت شاه سلیمان] برای آمرزش روح شاه در گذشته، هر روز در مطبخ شاهی هزار کنگری پلو به ملایان و فقرا داده می شد.» (کاری ۱۳۴۸: ۸۸) در ایام مناسبت های مذهبی بویژه عزاداری محرم مردم به فعالیت های خیریه و پرداخت صدقه بیشتر مایل بودند. در این ایام حتی روسپیان شهر برای جمع آوری صدقات از مردم بسیج می شدند. آنان این صدقات را به مردم نیازمند می پرداختند. تعدادی از زنان محروم نیز در همان دهه محرم در مجامع عمومی از مردم صدقه جمع آوری می کردند. (فیگوتروا ۱۳۶۳: ۳۱۳)

۴. نتیجه گیری

حمایت اجتماعی از فرودستان توسط مجموعه ای از باورهای دینی، رویه های حکمرانی سلف و میراث اندرزنامه نویسی و اخلاق سیاسی (وجه تئوریک حکمرانی) مورد تایید و تاکید قرار می گرفت. بنابراین حکومت و جامعه صفوی تلاش داشتند با اتخاذ سیاست های حمایتی در قبال فرودستان به بهبود وضعیت اقشار پایین دست جامعه کمک کنند. حکومت صفوی در پاره ای از دوره های ثبات خود از طریق اتخاذ رویکرد حکمرانی مطلوب و بکارگیری لوازم آن همچون شایسته سالاری، عدالت ورزی، برقرار دیوان مظالم و مجازات متخلفان دیوانی و منصوبان نظامی، ارائه خدمات اجتماعی و ساخت و تجهیز زیرساخت های شهری و اماکن عمومی، و انجام اصلاحات اقتصادی و ساماندهی مالیاتی این هدف را دنبال نمود. این موارد به طور مستقیم و غیر مستقیم به حمایت از لایه های آسیب پذیر جامعه می پرداختند. از سوی دیگر، گروه های اجتماعی نیز تحت تاثیر گفتمان فرهنگی و دینی حاکم بر جامعه، با اتخاذ رویه های حمایتی در قالب انفاق، صدقات و امور خیریه سعی در بهبود شرایط ایشان داشتند. این کمک ها در ایام مناسبت های مذهبی همچون ماه محرم و رمضان و اعیاد سه گانه اسلامی رشد بیشتری می یافت. اگرچه میزان مساعدت گروه های اجتماعی تحت تاثیر بهبود و نزول شرایط اقتصادی جامعه، نوساناتی را در جهت افزایش مساعدت ها و یا کاهششان تجربه می نمود. اغلب شواهد و مصادیق بکارگیری تدابیر حمایتی از فرودستان مربوط به دوره ثبات این سلسله در قرن یازدهم هجری است. در سال های سده دهم و دوازدهم حکمرانی صفویان، به سبب وجود منازعات فراگیر داخلی و خارجی و پریشانی امور اقتصادی و اجتماعی پی گیری سیاست های حمایتی به شکل قابل توجهی در هر دو بعد رسمی و غیر رسمی روند نزولی داشته است. حکومت صفوی در راستای وظایف حکمرانی مطلوب به بخشی از وظایف خود

در حمایت از اقشار آسیب پذیر پرداخت البته این وظیفه که ماهیتی دینی نیز می یافت در کسب مشروعیت حکمرانی بی تاثیر نبود. بخش مهمی از تمرکز فعالیت های خیریه رسمی بر محور اماکن و مشاهد مقدس دینی سامان می یافت که برآمده از گفتمان دینی صفویان بوده است و حکومت آن را تقویت و در بطن جامعه گسترش می داد. با مرگ شاه عباس اول، بتدریج ناتوانی حکومت در مهار بحران های اجتماعی و اقتصادی و تدابیر نامناسب اقتصادی و همچنین ماهیت ناپایدار تدابیر حمایتی از اقشار پایین دست توسط دستگاه سیاسی و کمبود منابع مالی، به افزایش تعداد تهیدستان انجامید. توجه به تدابیر حمایتی از چنان ضرورتی برخوردار بود که عدم توجه کافی بدان به گسترش ناهنجاری های اجتماعی از قبیل دزدی، روسپی گری، اعتیاد و بروز ناامنی، طغیان های اجتماعی و سایر معضلات اجتماعی انجامید و حیات شهری را با چالش مواجه نمود.

شیوه ارجاع به این مقاله

محمدی، سیدمحمدحسین. (۱۴۰۱). تدابیر و سازوکارهای حمایتی از فرودستان شهری در دوره صفویه. تحقیقات تاریخ اجتماعی ۱۲ (۲)

doi: 10.30465/shc.2023.41551.2375

کتابنامه

- ابن رستم بابانی، عبدالقادر (۱۳۷۷)، سیر الاکراد در تاریخ و جغرافیای کردستان، تصحیح محمد رؤف توکلی، تهران: انتشارات توکلی.
- احمدی، زهت (۱۳۹۰)، درباب اوقاف صفوی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس.
- اسکندریبگ منشی (۱۳۱۴)، تاریخ عالم آرای عباسی، تهران: دارالطباعه آقاسید مرتضی.
- افوشته ای نظری، محمود بن هدایت الله (۱۳۷۳)، نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه، بکوشش احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۸۵)، سفرنامه آدام اولثاریوس، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکارنو.
- بلیک مور، کن (۱۳۸۹)، مقدمه ای بر سیاست گذاری اجتماعی، ترجمه علی اصغر سعیدی و سعیدصادقی جقه، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- بی نام، (۱۳۶۴)، جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل)، بکوشش الله تامضطر، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

۲۳۲ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- بیاتی، مهدی و عباس قدیمی قیداری، (۱۴۰۱) «بررسی سیاست های حمایتی دولت صفوی در قبال تهیدستان» تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۲، بهار و تابستان، ش ۱.
- پیرزاده زاهدی، شیخ حسین (۱۳۹۵)، سلسله النسب صفویه، تهران: ارمان تاریخ.
- پیگولفسکایا و دیگران (۱۳۵۴)، تاریخ ایران (از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- جنکینز، کیت (۱۳۹۳)، بازانادیشی تاریخ، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، آگه.
- حراغلی، محمد بن حسن (۱۹۵۲ م)، وسائل الشیعه، ج ۶، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- حسن (۱۳۸۵)، جامعه شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- حسینی استرآبادی، حسین بن مرتضی (۱۳۶۴)، تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی، بکوشش احسان اشراقی، تهران: علمی.
- دلاواله، پیتر (۱۳۴۸)، سفرنامه پیتر دلاواله، شعاع الدین شفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رزاقی، نادر و ولی دین پرست، (۱۳۹۳) «نقش تهیدستان شهری و لوطیان و جهال تهران در انقلاب مشروطیت» تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۴، پاییز و زمستان، شماره ۲.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴)، احسن التواریخ، بکوشش عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
- ریترز، ج (۱۳۷۹)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ژاکن، فردریک (۱۳۹۵)، سفر به ایران قرن هفدهم، ترجمه سعیدی بو غیره، تهران: البرز.
- سام میرزا صفوی (۱۳۸۹)، تحفه سامی، تصحیح فاطمه انگورانی، تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
- سانسون، مارتین (۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون، ترجمه تقی تفضلی، تهران: بی نا.
- سبزواری ملامحمدباقر (۱۳۷۷)، روضه الانوار عباسی (در اخلاق و شیوه کشورداری)، تصحیح اسماعیل چنگیزی اردهایی، تهران: آینه میراث.
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۵)، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سید رضی، محمدبن حسین (۱۳۹۸)، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- شارپ، جیم (۱۳۹۹)، «تاریخ از پایین»، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، دوفصلنامه کارنامه تاریخ، سال ۶، شماره ۱۳.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ۵ جلد، تهران، توس.
- صادقی، مقصودعلی، (۱۳۹۶) «جایگاه سنگ نبشته های ایران دوران اسلامی در پژوهش های مردمان فرودست»، مردم نامه، ش ۴ و ۵، تابستان و پاییز.

تدابیر و سازوکارهای حمایتی از فرودستان ... (سیدمحمدحسین محمدی) ۲۳۳

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

فلور، ویلم (۱۳۹۴)، تاریخچه مالی و مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: نشر تاریخ ایران.

فیگوئروا، دن گارسیا دیسلوا (۱۳۶۳)، سفرنامه دن گارسیا دیسلوا فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.

قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳)، خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
کاری، جملی (۱۳۴۸)، سفرنامه کاری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران: فرانکلین و فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

کریمیان، حسن و محبوبه سادات بیدگلی (۱۳۸۷)، «معضلات اجتماعی و اقتصادی شهرهای ایران عصر صفوی با استناد به فرمانهای حکومتی منقور بر سنگ»، فرهنگ زمستان شماره ۶۸.

گرامشی، آنتونیو (۱۳۶۲)، نامه های زندان، ترجمه مریم علوی تبار، تهران، آگاه.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

لمتون، آن (۱۳۶۰)، نگرشی بر جامعه اسلامی در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.

مانورینگ، جرج (۱۳۸۷)، سفرنامه برادران شرلی، ترجمه ماسی یان هوانس، بکوشش علی دباشی، تهران: نشر نگاه.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، بحارالانوار، ج ۹۶، ۶۸، ۱۳۷، ۷۱، ۶۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، وندالیسم (مبانی روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی)، تهران: نشر آن.

موسوی فندرسکی، ابوطالب بن میرزاییک (۱۳۸۸)، تحفه العالم در اوصاف و اخبار شاه سلطان حسین، بکوشش رسول جعفریان، تهران: مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد.

میرزاسمیعا (۱۳۷۸)، تذکره الملوک، بکوشش محمد دبیر سیاقی، سازمان اداری حکومت صفوی تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر.

نصرآبادی، میرزا محمد طاهر، (۱۳۵۲) تذکره نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی، تهران، کتابفروشی فروغی،

نوابی، عبدالحسین و نزهت احمدی (۱۳۸۱)، «ساختار نهاد وقف در عصر صفوی»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۱۲، شماره ۴۳.

۲۳۴ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲)، خلدبرین، بکوشش میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

وحید قزوینی، میرزاحمدطاهر (۱۳۸۳)، تاریخ جهان‌آرای عباسی، تصحیح سیدسعید میرمحمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هابسباوم، اریک (۱۳۹۸)، درباره تاریخ، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگاه.

هلالی جغتای، بدرالدین (۱۳۳۷)، دیوان هلالی جغتایی با مثنوی شاه و درویش و صفات العاشقین، تصحیح سعید نفیسی، تهران: کتابخانه سنایی.

یوسفی فر، شهرام، سیدمحمدحسین محمدی و دیگران (۱۴۰۰)، «بررسی فرایند بینواسازی جامعه شهری و ارزیابی واکنش فرودستان در سده دهم هجری؛ با رویکرد به منازعات قدرت در سده اول حکمرانی صفوی»، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، دوره ۱۰، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی